

بررسی و تحلیل آراء مفسران پیرامون آیه «ما فرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»

حمزه حاجی*

چکیده

آیه «ما فرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» یکی از آیات مورد اختلاف در میان مفسران و متکلمان است که یکی از عوامل آن، اختلاف در معنانشناسی واژه «الکتاب» است. مفسران این واژه را به معانی مختلفی تفسیر نموده اند. در این بین، در اکثر تفاسیر، «الکتاب» به قرآن و لوح محفوظ تفسیر شده است به گونه ای که تعدادی از مفسران در تعبیر از رأی اکثریت، به خطا رفته اند؛ عده ای بر این باورند که اکثر مفسران مراد از «الکتاب» را قرآن دانسته اند و برخی دیگر، معتقدند که بیشتر مفسران منظور از «الکتاب» را لوح محفوظ می دانند. با توجه به تاثیر هر یک از این دیدگاه ها بر فهم و تفسیر آیه فوق، مقاله حاضر، تفاسیر متعددی با گرایش های مختلف تفسیری را مورد بررسی قرار داده و ضمن تبیین معانی مختلف «الکتاب»، آراء متعدد مفسران در این زمینه را بررسی و تجزیه و تحلیل نموده و در نهایت، به ارائه دیدگاه برگزیده در باره تفسیر آیه ۳۸ انعام بر اساس نظر اکثر مفسران و قرائن و شواهد عقلی و نقلی پرداخته است.

واژگان کلیدی

آیه ۳۸ انعام، کتاب، لوح محفوظ، دیدگاه های تفسیری.

hamzehhaji@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۳

*. استادیار دانشگاه پیام نور واحد تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۲

طرح مسئله

فهم و تفسیر تعدادی از آیات قرآن در ادوار مختلف تفسیری، مفسران و متکلمان را صرف نظر از مبنا و گرایش خود، با چالش‌ها و اختلاف‌نظرهایی مواجه ساخته است. آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام / ۳۸) از جمله این آیات است. آنچه در این آیه، باعث تضارب آراء و ارائه دیدگاه‌های مختلف تفسیری و کلامی از جانب مفسران و متکلمان شده، واژه «الکتاب» است. در مورد معنای این واژه، تفاسیر مختلفی نظیر: قرآن، لوح محفوظ، اجل، صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت، علم خدا، کتاب طبیعت و جهان، عالم هستی، کتاب اعمال و کتاب وجود تکوینی مطرح شده است. (بنگرید به: ماوردی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۶۱؛ ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۱۹۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۲۶؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۶ / ۹۰ - ۸۹؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۱۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۲۲۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۹ / ۹۱)

در میان معانی فوق، بیشتر مفسران، «الکتاب» را به قرآن و لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند تا جایی که به سختی می‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد و هر محقق با مراجعه به تفاسیر به سختی می‌تواند تشخیص دهد که اکثر مفسران، «الکتاب» را به قرآن تفسیر کرده‌اند یا لوح محفوظ. همین امر باعث شده که برخی از مفسران در بیان رأی اکثر مفسران در این باره، دیدگاهی متناقض ارائه دهند، به عنوان نمونه ماوردی (م. ۴۵۰ ق) طبرسی (م. ۵۴۸ ق) ملافتح‌الله کاشانی (م. ۹۸۸ ق) حسینی شاه عبدالعظیمی (م. ۱۳۸۴ ق) و ابراهیم عاملی (م. ۱۳۴۷) در تفاسیر خود آورده‌اند که اکثر مفسران برآنند که مراد از الکتاب، قرآن است (ماوردی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۶۱؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳ / ۳۸۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳ / ۲۶۳؛ عاملی، ۱۳۶۰: ۳ / ۴۳۲) در مقابل، ابوالفتوح رازی (م. قرن ۶ ق) و امین اصفهانی (م. ۱۴۰۳ ق) اظهار داشته که بیشتر مفسران گفته‌اند که مراد از الکتاب، لوح محفوظ است (رازی، ۱۴۰۸: ۷ / ۲۸۴؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱: ۵ / ۳۶) بی‌تردید پذیرش هر یک از دیدگاه‌های تفسیری فوق، بر فهم و تفسیر آیه فوق و نوع نگاه به قرآن و میزان و نحوه پاسخ‌گویی آن به نیازهای بشری تأثیرگذار است؛ چراکه براساس دیدگاه اول، آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» بر این معنا دلالت دارد که در قرآن از بیان چیزی کوتاهی نشده و این کتاب، بیانگر همه چیز است و مطابق دیدگاه دوم، آیه فوق این معنا را می‌رساند که در لوح محفوظ از ذکر و ثبت چیزی غفلت نشده است. در این مورد، سؤالاتی مطرح است که این مقاله درصدد پاسخ به آنها است، از جمله:

۱. مفسران و متکلمان واژه «الکتاب» و به تبع آن، آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» را به چه

چیزی تفسیر کرده‌اند؟

۲. اکثر مفسران، «الکتاب» در آیه ۳۸ سوره انعام را به قرآن تفسیر نموده‌اند یا به لوح محفوظ؟

۳. کدام یک از آراء تفسیری درباره «الکتاب» قابل پذیرش بوده و با دلایل متقن می‌توان از آن دفاع نمود؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، مفسران قرآن متناسب با گرایش تفسیری خود، آراء و نظرهای متفاوتی را مطرح ساخته‌اند. مقاله حاضر، می‌کوشد با بررسی و مطالعه تفاسیری از مکاتب، نحله‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری از قرون اولیه تاکنون، که شمار آنها به یکصد تفسیر می‌رسد، ضمن تبیین معانی مختلف الکتاب نظر اکثر مفسران در این باره خصوصاً را مشخص ساخته و دیدگاه برگزیده را ارائه نماید.

مفهوم‌شناسی

یک. «ما فرطنا»

ما، حرف نفی و فعل «فَرَطَ» از باب تفعیل و اصل آن «ف ر ط» است «فَرَطَ فی الأمر»؛ یعنی در امر کوتاهی نمود و آن را ضایع کرد. لغویون، «تفریط» را به معنای کوتاهی کردن، ضایع نمودن و ترک کردن دانسته‌اند (فراهیدی، بی‌تا: ۷ / ۴۲۰؛ ابن فارس، ۱۴۲۳: ۴ / ۳۹۰؛ ابن منظور، بی‌تا: ۷ / ۳۶۶) راغب اصفهانی «ما فرطنا» را در این آیه به «کوتاهی نکردیم» معنا نموده است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۶۳۱) و طریحی، آن را به معنای «ترک نکردیم، ضایع نمودیم و غفلت نکردیم» دانسته است (طریحی، بی‌تا: ۴ / ۲۶۵) در تفاسیر مختلف، «ما فرطنا» به معنای فوق تفسیر شده است. (بنگنید به: طوسی، بی‌تا: ۴ / ۱۲۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۶۱؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۰۳)

دو. «الکتاب»

«الکتاب» از ریشه «ک ت ب» است و در اصل بر جمع و ضمیمه کردن چیزی به چیز دیگر دلالت می‌کند. «کتبت القرية» و «کتبت السقاء»؛ یعنی مشک را دوختم و به تعبیر راغب اصفهانی «ضم ادیم الی ادیم بالخیاطة»؛ یعنی جمع کردن دو چرم به وسیله دوختن است. و در زبان متعارف، نوشتن را کتابت گویند؛ زیرا که حروف بعضی با بعضی جمع می‌شود، گاهی به کلام، کتاب گفته شود که حروف در تلفظ به هم منضم و با هم جمع می‌شود، از این رو به کلام خدا با آنکه نوشته نشده بود، کتاب اطلاق شده است. برخی «الکتاب» را اسم و عده‌ای آن را مصدر دانسته‌اند. کلمه «الکتاب» به نوشته و یا صحیفه‌ای که در آن نوشته می‌شود، اطلاق می‌گردد، وانگهی کتاب و کتابت بر اثبات و

تقدیر و ایجاب و واجب و اراده اطلاق می‌شود. (بنگرید به: ابن فارس، ۱۴۲۳: ۵ / ۱۲۸؛ ابن‌منظور، بی تا: ۱ / ۷۰۲ - ۶۹۸؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۶۹۹)

واژه کتاب با مشتقاتش، در مجموع ۳۱۹ بار در قرآن کریم به کار رفته است که از این میان ۱۷۱ بار در قالب «الکتاب» و ۷۳ بار در قالب «کتاب» به صورت مضاف یا غیرمضاف به کار رفته است. این واژه همچون بسیاری از واژگان قرآنی دیگر، در پی تحول عظیم فرهنگی در جامعه عرب و توسعه معنایی، از معنای نوشتن و نوشته فراتر رفته و بار معنایی بسیار گسترده‌ای یافته و در قرآن به معانی مختلفی استعمال شده است، از جمله نامه اعمال انسان (اسراء / ۱۴ - ۱۳؛ کهف / ۴۹؛ مؤمنون / ۶۲) نامه اعمال نیکوکاران (مطففین / ۱۸؛ توبه / ۱۲۱) نامه اعمال بدکاران (مطففین / ۱۸؛ آل عمران / ۱۸۱) نامه اعمال امت‌ها (جاثیه / ۲۹ - ۲۸) کتاب‌های آسمانی (یونس / ۳۷؛ آل عمران / ۷؛ مریم / ۳۰) حکم تکوینی (انفال / ۶۸؛ انعام / ۱۲) حکم تشریحی (بقره / ۱۸۳؛ نساء / ۱۰۳) مکاتبه و قرارداد (نور / ۳۳) مدت زمان معین (بقره / ۲۳۸) نامه ظاهری و مادی (نمل / ۲۹ - ۲۸) نوشته ظاهری خدا (اعراف / ۱۴۵) دست نوشته بشری (آل عمران / ۷۸) همچنین به یهودیان و مسیحیان نیز، «اهل الکتاب» (آل عمران / ۶۴؛ نساء / ۱۷۳؛ مائده / ۱۵) اطلاق شده و از آیات محکم قرآن، به «أم الکتاب» (آل عمران / ۷) تعبیر شده است.

علامه طباطبایی بر این باور است که همین توسعه معنایی «کتاب» در قرآن کریم، جاری و ساری است و در یک تقسیم‌بندی کلی معنای کتاب در قرآن را سه قسم، و هر قسم را دارای انواع و مصادیقی می‌داند: قسم اول کتاب‌هایی است که مشتمل بر شرایع دین بوده و بر انبیاء ﷺ نازل می‌شده است، مانند کتاب حضرت نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد ﷺ، قسم دوم کتبی است که اعمال بندگان را از نیکی و بدی ضبط می‌کند و قسم سوم کتبی است که جزئیات نظام عالم و حوادث واقعه در آن ضبط می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷ / ۳۵۳ - ۳۵۰)

کلمه «کتاب» نخستین بار در آیه ۲۹ سوره «ص» بر قرآن کریم اطلاق شده است که به لحاظ ترتیب نزول قرآن، سی و هشتمین سوره نازل است. همچنین، بررسی استعمال واژه «الکتاب» در سوره‌های قرآن برحسب ترتیب نزول، نشان می‌دهد که از اولین سوره نازل تا پنجاه و پنجمین سوره نازل - انعام - این واژه، به معنای لوح محفوظ به کار نرفته است، البته در مورد کاربرد این واژه در آیه ۵۸ سوره اسراء که پنجاهمین سوره نازل به ترتیب نزول است، سه احتمال؛ علم خدا، لوح محفوظ و کتب آسمانی از جمله قرآن مطرح شده است (ابن‌عاشور، بی تا: ۱۴ / ۱۱۳؛ مراغی، بی تا: ۱۵ / ۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۶۵۳) بنابراین، آنچه در مورد معنای «الکتاب» تا زمان نزول آیه «مَا فَرَطْنَا فِي

بررسی و تحلیل آراء مفسران پیرامون آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» □ ۹۳

الکتاب من شیء» (انعام / ۳۸) به ذهن مخاطبان اولیه قرآن تبادر پیدا می‌کرد، همان قرآن کریم است؛ به عبارت دیگر، معهود ذهنی آنان از معنای «الکتاب» قرآن بوده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۵۲۸ - ۵۲۵)

سه. «من شیء»

بررسی تفاسیر ادبی در خصوص معنای «من شیء» حاکی از آن است که اکثر مفسران، «مین» را حرف زائد و «شیء» را مصدر و در جایگاه مفعول به دانسته‌اند و تقدیر آن چنین است: «ما فرطنا شیئاً؛ یعنی چیزی را فروگذار نکردیم.» عموم مفسران، از «من شیء» معنای عام برداشت نموده و آیه را بر همین اساس تفسیر کرده‌اند. (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۶۰؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۰۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۳۷)

آراء مفسران پیرامون معنای «الکتاب»

همان‌گونه که اشاره شد، مفسران درباره معنای «الکتاب» که کلید واژه اصلی در تفسیر آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» (انعام / ۳۸) است، نظرها و دیدگاه‌های متعددی مطرح نموده‌اند:

یک. لوح محفوظ

یکی از معنایی که از قرون اولیه اسلام تاکنون، در تفاسیر مختلف قرآن کریم برای «الکتاب» در آیه فوق بیان شده است، لوح محفوظ است. جمعی از مفسران، بدون اینکه ذکر از معانی دیگر «الکتاب» در این آیه به میان آورند، به‌طور صریح آن را صرفاً به لوح محفوظ معنا کرده‌اند و بر همین اساس، معتقدند که خدای متعال در لوح محفوظ از ذکر و ثبت چیزی غفلت و کوتاهی نموده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۱۱؛ زمخشری، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۱؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۵۴۷)

طبری (م. ۳۱۰ ق) ابن‌ابی حاتم رازی (م. ۳۲۷ ق) و سید قطب (م. ۱۳۸۷ ق) نیز، با تفسیری که از آیه مذکور ارائه داده‌اند، از جمله مفسرانی‌اند که مقصود از «الکتاب» را به‌طور غیر صریح، لوح محفوظ دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۷ / ۱۱۹؛ ابن‌ابی حاتم رازی، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۲۸۶؛ سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۰۸۲)

دو. قرآن

گروهی از مفسران، به‌طور صریح و بدون ذکر هیچ معنای دیگری، «الکتاب» را در این آیه صرفاً به قرآن معنا کرده‌اند و بر همین اساس، آیه را در ارتباط با قرآن کریم دانسته و چنین تفسیر نموده‌اند

که ما در قرآن، از بیان هیچ چیزی غفلت و کوتاهی ننموده‌ایم. (واحدی، بی‌تا: ۱ / ۳۵۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۱۱۹ - ۱۱۸؛ بروسوی، بی‌تا: ۳ / ۲۷)

حویزی (م. ۱۰۹۷ ق) بحرانی (م. ۱۱۰۷ ق) و بروجردی (معاصر) نیز، در تفاسیر خود، روایاتی را ذیل آیه فوق نقل کرده‌اند که گویای این نکته است که منظور از «الکتاب» قرآن کریم است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۷۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۴۱۷؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۲ / ۳۰۵)

سه. لوح محفوظ (با ذکر قرآن)

تعدادی از مفسران، در ابتدا دیدگاه خود را مبنی بر اینکه مراد از «الکتاب» در آیه مورد بحث، لوح محفوظ است بیان داشته و آیه را بر همین اساس معنا و تفسیر نموده‌اند و سپس قرآن کریم را به‌عنوان معنای دوم برای «الکتاب» مطرح ساخته‌اند؛ سمرقندی (م. ۳۷۵ ق) نخست، منظور از «الکتاب» را لوح محفوظ دانسته و سپس معنای دوم آن را چنین بیان می‌کند «و گفته می‌شود «فی الکتاب»؛ یعنی: در قرآن» (سمرقندی، بی‌تا: ۱ / ۴۴۶) خطیب شربینی (م. ۹۷۷ ق) و کاشانی (م. ۹۸۸ ق) نیز، «الکتاب» را به لوح محفوظ معنا می‌کنند و سپس می‌نویسند: «و گفته شده که مراد از «الکتاب» قرآن است؛ زیرا در آن تمامی مایحتاج دین به‌صورت مفصل و مجمل تدوین شده است» (خطیب شربینی، بی‌تا: ۱ / ۳۳۳؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲ / ۳۸۸) زحیلی (معاصر) خود، «الکتاب» را به لوح محفوظ تفسیر می‌کند و سپس دیدگاه فخر رازی و گروهی از مفسران را ذکر می‌کند که مراد از «الکتاب» را قرآن کریم دانسته‌اند. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۷ / ۱۹۴)

نکته مهم اینکه برخی از مفسران این گروه، اگرچه در ابتدا «الکتاب» را به لوح محفوظ معنا می‌کنند و سپس معنای دوم - قرآن - را برای آن مطرح می‌نمایند، اما در ادامه مباحث خود ذیل آیه ۳۸ انعام، معنای دوم - قرآن - را برجسته‌تر می‌کنند و استدلال‌هایی هم در تأیید آن بیان می‌نمایند و حتی آیه را بر آن اساس، معنا و تفسیر می‌کنند؛ گویی اطمینان‌چندانی به تفسیر اول خود؛ یعنی لوح محفوظ ندارند و تمایل بیشتری به حمل «الکتاب» بر قرآن دارند. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۶ / ۴۲۰؛ ابن‌جزی غرناطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۲۶۲ - ۲۶۱؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۴ / ۳۵۷ - ۳۵۰)

چهار. قرآن (با ذکر لوح محفوظ)

برخی مفسران، در تفسیری که از آیه فوق ارائه داده‌اند، مقصود از «الکتاب» را قرآن کریم دانسته‌اند و همین معنا را ترجیح داده و آیه را براساس آن تفسیر نموده‌اند؛ اگرچه لوح محفوظ را هم، به‌عنوان

بررسی و تحلیل آراء مفسران پیرامون آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» □ ۹۵

معنای دوم آن ذکر نموده‌اند. ابن عطیه اندلسی (م. ۵۴۱ ق) در تفسیر این آیه می‌گوید: مراد از «الکتاب» قرآن است و نظام معنا در این آیات اقتضای همین معنا را دارد و گفته شده که مراد لوح محفوظ است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲ / ۲۹۰) شریف لاهیجی (م. قرن ۱۱ ق) آیه فوق را چنین تفسیر کرده است: «ما فرو نگذاشتیم در قرآن هیچ چیزی را ... و بعضی کتاب را به لوح محفوظ حمل کرده‌اند و حمل آن به قرآن موافق حدیثی است که ابن بابویه در *عیون اخبار الرضا* از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده [است]» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱ / ۷۵۴) محمد متولی شعراوی (م. ۱۴۱۹ ق) ابتداء لوح محفوظ را به عنوان یک احتمال برای معنای «الکتاب» ذکر می‌کند و سپس می‌نویسد: «ولی ما می‌گوییم مراد از الکتاب، قرآن است و همه چیز در قرآن موجود و مذکور یا نهفته است». (شعراوی، بی‌تا: ۱ / ۲۵۱۰)

پنج. لوح محفوظ یا قرآن

گروهی از مفسران، واژه «الکتاب» را در این آیه به صورت مساوی به لوح محفوظ یا قرآن تفسیر کرده‌اند، با این توضیح که در ترتیب ذکر این دو معنا، نخست لوح محفوظ را به عنوان معنای اول و سپس قرآن را به عنوان معنای دوم «الکتاب» ذکر نموده و هیچ یک از این دو معنا را بر دیگری ترجیح نداده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۶۱؛ سمین حلبی، بی‌تا: ۱ / ۱۵۹۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷ / ۸۲ - ۸۱) در مقابل، مفسران دیگری از این گروه، اگرچه «الکتاب» را به ترتیب به لوح محفوظ یا قرآن تفسیر نموده‌اند، اما یا با صراحت قرآن را ترجیح داده‌اند یا با بحث و استدلال‌هایی که در تفسیر آیه مطرح نموده‌اند، معلوم می‌شود که به حمل «الکتاب» بر قرآن تمایل بیشتری دارند تا بر لوح محفوظ. فخرالدین رازی (م. ۶۰۲ ق) پیرامون معنای «الکتاب» در این آیه می‌نویسد:

در مورد مراد از «الکتاب» دو قول هست یکی اینکه مراد از آن، کتاب محفوظ در عرش و عالم آسمان‌ها است ... و دیگری اینکه مراد از آن، قرآن است و این قول اظهر است؛ زیرا «ال» هرگاه بر سر اسم مفرد بیاید به معهود سابق انصراف معنایی پیدا می‌کند و معهود سابق از «کتاب» نزد مسلمین، قرآن است، پس لازم است که مراد از «الکتاب» در این آیه قرآن باشد. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۵۲۸ - ۵۲۵)

ابوحیان اندلسی (م. ۷۴۵ ق) مراد از «الکتاب» را لوح محفوظ و قرآن ذکر می‌کند و سپس می‌گوید: سیاق آیه و معنا، اقتضای حمل «الکتاب» بر قرآن را دارد. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۰۳) ابن عجیبه (م. قرن ۱۳ ق) در تفسیر «الکتاب» می‌نویسد: کتاب؛ یعنی لوح محفوظ ... یا قرآن؛ زیرا

قرآن بر تمامی آنچه مورد نیاز است، مشتمل است. ایشان سپس سخن ابن عباس را نقل می‌کند که گفته اگر افسار شترم مفقود گردد آن را در کتاب خدا می‌یابم. وی بعد از نقل این روایت می‌گوید: یعنی به اعتبار عموم و اصول مسائل (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۲ / ۱۱۵) عبدالکریم خطیب (م. ۱۹۸۵ م) در تفسیر آیه فوق می‌نویسد: در مورد «الکتاب» اختلاف وجود دارد که آیا مراد از آن، لوح محفوظ است یا قرآن کریم و سپس می‌گوید:

شاید اینجا قرآن کریم به مفهوم آیه نزدیک‌تر است؛ چراکه در آیاتش اصول، احکام و مقرراتی را بیان می‌کند که همه معارف بشری ذیل آن جای می‌گیرد؛ چه معارفی که عقل بدان رسیده و چه معارفی که ممکن است در آینده بدان برسد. (خطیب، بی تا: ۴ / ۱۷۲)

سبزواری نجفی (م. ۱۴۰۹ ق) «الکتاب» را به لوح محفوظ و قرآن معنا می‌کند و سپس می‌گوید: از بیشتر روایات برمی‌آید که مراد از «الکتاب» در این آیه شریفه قرآن است. (سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۳ / ۲۹)

گنابادی (م. ۱۳۲۷ ق) بر این باور است که «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ»؛ یعنی در لوح محفوظ که این قرآن، صورت تام و کامل آن است، از هیچ چیزی فرو گذار نشده است و سایر کتب صورت ناقص لوح محفوظ، از این رو لذا قرآن مراقب و حافظ بر همه و ناسخ آنهاست (گنابادی، ۱۴۰۲: ۳ / ۱۲۹) چنان که قرآن صورت تام و کامل لوح محفوظ باشد لازمه این سخن آن است که قرآن باید از همان جامعیتی برخوردار باشد که لوح محفوظ از آن برخوردار است و از بیان چیزی در آن غفلت نشده باشد. مصطفوی (م. ۱۳۸۴) برخلاف گنابادی، قرآن را از مصادیق لوح محفوظ می‌داند نه صورت تام و کامل آن. وی در تفسیر آیه فوق تحت عنوان «تفریط نکردن در کتاب» می‌گوید:

کتاب به معنای تثبیت و ضبط آنچه در نیت و قلب است از اعتقادات و علوم و حقایق و احکام و تثبیت یا در صفحات خارجی و به وسیله کلمات است و یا به وسیله حکم و قضا و تقدیر در خارج باشد و به هر صورت که مقتضی است: در بیان موضوعات و احکام و حقایق کوتاهی نخواهد شد و از مصادیق کتابت: نازل کردن آیات تشریحی و لفظی، و بیان و روشن ساختن احکام و فرمان‌ها و دستورها و تقدیرات است و این موضوعات و امور نیز از نزول آیات خواهد بود و هرگز کوتاهی در این جهات نمی‌شود. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۷ / ۳۶۴)

بررسی و تحلیل آراء مفسران پیرامون آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» □ ۹۷

صادقی تهرانی (م. ۱۳۹۰) نیز، معتقد است که کتاب در این آیه هر نوع کتاب ربانی اعم از تکوینی و تشریحی را در بر می‌گیرد و سپس می‌نویسد:

«کتاب» - با تعبیر مطلق در جنس خود که مشتمل بر تمامی کتاب‌های ربانی است - با کامل‌ترین وجه، قرآن عظیم را شامل می‌شود؛ زیرا قرآن بیانی است برای هر دو کتاب (تکوین و تشریح) آن‌گونه که ممکن است بدون افراط و تفریط. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ۱۰ / ۱۵ - ۱۴)

نشش. قرآن یا لوح محفوظ

برخی مفسران، «الکتاب» در این آیه را به‌طور مساوی به‌معنای قرآن یا لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند، البته در ترتیب ذکر دو معنا، قرآن را به‌عنوان معنای اول و لوح محفوظ را به‌عنوان معنای دوم مطرح ساخته‌اند و در ادامه تفسیر آیه، به‌نحوی تمایل خود را به حمل «الکتاب» بر معنای اول - قرآن - نشان داده و یا به‌صراحت آن را ترجیح داده‌اند. عبدالله شبر (م. ۱۳۴۲ ق) «الکتاب» را به قرآن و لوح محفوظ تفسیر می‌کند و بر این باور است که هر آنچه در امور دین بدان نیاز باشد به‌صورت مجمل یا مفصل در قرآن وجود دارد، سپس در تأیید دیدگاه خود، روایتی رضوی درباره کمال دین و جامعیت قرآن نقل می‌کند؛ گویی به‌معنای اول - قرآن - تمایل بیشتری دارد تا لوح محفوظ (شبر، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۵۶ - ۲۵۵) محمدامین شنقیطی (م. ۱۳۹۳ ق) نیز، ضمن نقل هر دو معنای قرآن و لوح محفوظ، می‌گوید «و در هر حال شکی نیست که در قرآن بیان هر چیزی وجود دارد.» (شنقیطی، بی‌تا: ۱۷ / ۱۹۸) محسن قرائتی (معاصر) در تفسیر آیه مورد بحث، چنین می‌نویسد: «مراد از الکتاب در آیه، یا قرآن است یا لوح محفوظ که در واقع کتاب خلقت است. در آیات دیگر هم، تعبیراتی چون «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ»، «كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» آمده که نشانه کامل بودن قرآن است ... و قرآن کریم، جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است.» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳ / ۳۴۹ - ۳۴۷)

هفت. قرآن، لوح محفوظ و اجل

تتبع در تفاسیر مختلف قرآن نشان می‌دهد که تا اواسط قرن پنجم هجری، مفسران، واژه «الکتاب» در این آیه را به لوح محفوظ و قرآن تفسیر کرده‌اند که از اواسط قرن پنجم به بعد، «اجل» نیز، به‌عنوان معنای دیگر این واژه مطرح گردید. نخست، ماوردی (م. ۴۵۰ ق) معنای «اجل» را در تفسیر «الکتاب» مطرح و آن را به ابن‌بهر نسبت داد و سپس در قرون بعدی، تعدادی از مفسران به ذکر

این معنا در تفاسیرشان پرداخته‌اند. نکته مهم اینکه هیچ یک از این مفسران، چنین معنایی را برای «الکتاب» نپذیرفته‌اند، بلکه تمامی آنها با بحث و استدلال‌هایی که انجام داده‌اند تمایل خود را به حمل «الکتاب» بر قرآن نشان داده و عملاً آن را ترجیح داده‌اند. ماوردی (م. ۴۵۰ ق) در تفسیرش، نخست دو تأویل را برای «الکتاب» ذکر می‌کند «اجل» و «قرآن»؛ اولی را به ابن‌بهر نسبت داده و تأویل دوم را به جمهور، و با توضیحی که درباره قرآن داده حاکی از تمایل خود ایشان به تأویل دوم و نظر جمهور مفسران است. (ماوردی، بی‌تا: ۲ / ۱۱۲) طبرسی (م. ۵۴۸ ق) نیز، ضمن اشاره به اختلاف نظر مفسران در مورد معنای «الکتاب»، سه احتمال قرآن، لوح محفوظ و اجل را برای بیان مراد از «الکتاب» ذکر می‌نماید و سپس احتمال اول - قرآن - را با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهد و برای تأیید آن به دو آیه و روایتی از ابن‌مسعود استناد می‌کند و در نهایت می‌گوید این، قول اکثر مفسران است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴ / ۴۶۱) آلوسی (م. ۱۲۷۰ ق) نیز، در تفسیر خود هر سه احتمال فوق را ذکر کرده و احتمال سوم - اجل - را بعید دانسته و احتمال دوم - لوح محفوظ - را به حسن بصری و قتاده نسبت داده و بدون هیچ بحثی از آن می‌گذرد، اما به‌طور مفصل و با چندین استدلال درباره احتمال اول - قرآن - بحث می‌کند و جامعیت آن را می‌پذیرد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۱۳۸ - ۱۳۷)

هشت. قرآن، لوح محفوظ و علم خدا

بررسی تفاسیر متعدد قرآن کریم حاکی از آن است که نخستین بار در قرن هشتم هجری، ابن‌کثیر دمشقی (م. ۷۷۴ ق) «الکتاب» را در این آیه به علم خدا تفسیر نموده است (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۲۶) سپس تعدادی از مفسران قرن چهاردهم و پانزدهم علم خدا را به‌عنوان یکی از معانی «الکتاب» مطرح نموده که برخی، آن را به‌عنوان معنای ارجح پذیرفته‌اند. ابن‌عاشور (م. قرن ۱۴ ق) در تفسیرش برای معنای «الکتاب» دو احتمال؛ علم خدا و قرآن را مطرح نموده است؛ هرچند حمل آن، بر قرآن را بعید می‌داند (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۶ / ۹۰ - ۸۹) مراغی (م. ۱۳۷۱ ق) در تفسیر آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» نخست، سه احتمال؛ قرآن، لوح محفوظ و علم خدا را برای مراد از «الکتاب» ذکر می‌کند و سپس با نقل دیدگاه ابن‌کثیر که «الکتاب» را به علم خدا تفسیر نموده، تمایل خود را به معنای اخیر نشان داده است (مراغی، بی‌تا: ۷ / ۱۹ - ۱۸) محمد عزت دروزه (م. ۱۴۰۴ ق) نیز، ضمن نقل احتمال‌های سه‌گانه فوق، به‌صراحت حمل «الکتاب» بر علم خدا را ترجیح داده است. (دروزه، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۸۸ - ۸۷) حجازی (م. قرن ۱۵ ق) بعد از ذکر هر سه احتمال؛ قرآن، لوح محفوظ و علم خدا، اهتمام بیشتری به قرآن دارد و آیه را بر همین اساس معنا نموده و بدین وسیله تمایل خود را به حمل «الکتاب» بر قرآن

نشان داده است (حجازی، ۱۴۱۳: ۱ / ۶۰۸) میرزا خسروانی (م. ۱۳۸۶ ق) نیز، ضمن طرح احتمال‌های سه‌گانه فوق در تفسیر آیه مورد بحث، بر حمل «الکتاب» بر قرآن اهتمام بیشتری دارد. (میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۳ / ۶۶ - ۶۵) محمدجواد مغنیه (م. ۱۴۰۰ ق) هم، بعد از ذکر هر سه احتمال، حمل «الکتاب» بر قرآن را برگزیده است. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳ / ۱۸۶ - ۱۸۵) نجفی خمینی (م. ۱۴۱۹ ق) عین احتمال‌های سه‌گانه فوق را از تفسیر *الکاشف* نقل می‌کند و سپس با نقل روایتی از ابن مسعود حمل «الکتاب» بر قرآن را اختیار کرده است (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۴ / ۳۵۶ - ۳۵۵) بنابراین، از میان هشت مفسر فوق که علم خدا را به‌عنوان یکی از معانی «الکتاب» در تفسیر آیه فوق مطرح نموده‌اند؛ چهار مفسر، حمل «الکتاب» بر علم خدا را ترجیح داده و چهار مفسر نیز، به حمل «الکتاب» بر قرآن تمایل دارند.

نه. سایر دیدگاه‌ها

هر یک از آراء پیش گفته درباره تفسیر آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» در میان مفسران طرف‌دارانی دارد در این بین، برخی از دیدگاه‌های ارائه شده - در یکصد تفسیر مورد مطالعه در این پژوهش - صرفاً توسط یکی از مفسران مطرح شده است؛ ابن عربی (م. ۶۳۸ ق) مفسر و عارف مشهور، هرچند مانند جمعی از مفسران «لوح محفوظ» را به‌عنوان یکی از معانی آیه فوق مطرح می‌کند، اما با نگرشی عارفانه به تفسیر واژه «الکتاب» پرداخته و مقصود از آن را «صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت» می‌داند؛ هرچند برای این تفسیر منحصر به فردش، استدلالی ارائه نداده است. (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۱۹۸) سید محمدحسین فضل الله (م. ۱۴۳۱ ق) از جمله معدود مفسرانی است که چهار احتمال؛ لوح محفوظ، قرآن، کتاب اعمال و کتاب وجود تکوینی را برای مراد از آیه فوق مطرح ساخته که دو احتمال اخیر، منحصر به ایشان است. هرچند حمل «الکتاب» بر قرآن را با فضای آیه مناسب‌تر می‌داند و می‌گوید: «برخی احادیث وارده از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به معنای دوم؛ یعنی قرآن اشاره می‌کند ... و چه بسا این معنا از معانی دیگر، به فضای آیه نزدیک‌تر است». (فضل الله، ۱۴۱۹: ۹ / ۹۱) ناصر مکارم شیرازی (معاصر) در تفسیر *نمونه*، «الکتاب» را در آیه فوق، به دو احتمال؛ قرآن و عالم هستی تفسیر می‌کند که احتمال دوم تنها از جانب ایشان مطرح شده است. وی حمل «الکتاب» بر هر دو معنا را ممکن می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵ / ۲۲۳ - ۲۲۲) سید علی‌اکبر قرشی (معاصر) در تفسیر خود، «الکتاب» را در این آیه تنها به «کتاب طبیعت و جهان» معنا می‌کند و در تفسیر آن چنین می‌گوید: «مراد از کتاب، کتاب طبیعت و جهان است؛ یعنی ما درباره آفریده‌ها اصلاً کوتاهی نکرده‌ایم و هر چیز را در جای خودش قرار داده‌ایم». (قرشی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۱۶ - ۲۱۵)

جمع‌بندی و تحلیل آراء مفسران

از یکصد تفسیر مورد مطالعه در این پژوهش، ۵۷ مفسر، در تفاسیر خود یا به‌صراحت «الکتاب» را در آیه ۳۸ انعام به قرآن معنا کرده‌اند و یا در صورت ذکر احتمال‌های دیگر برای مراد از «الکتاب»، به‌صراحت حمل آن را بر قرآن ترجیح داده‌اند و یا در تفسیر آیه فوق به آیات و روایاتی استناد نموده‌اند که حاکی از آن است که مقصود از «الکتاب» را قرآن دانسته‌اند یا به‌گونه‌ای آیه را معنا کرده یا شرح و تفسیر نموده‌اند که نشان می‌دهد به حمل «الکتاب» بر قرآن تمایل بیشتری دارند تا بر لوح محفوظ یا سایر احتمال‌ها. در مقابل، ۲۵ تفسیر، «الکتاب» را در آیه فوق به لوح محفوظ معنا کرده‌اند. ۱۱ تفسیر هم، به‌صورت مساوی مراد از «الکتاب» را لوح محفوظ یا قرآن دانسته و هیچ‌یک را بر دیگری ترجیح نداده است. تفسیر ابن‌عربی نیز، بدون ترجیح، «الکتاب» را به صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت و لوح محفوظ تفسیر نموده است و تفسیر نمونه هم، حمل «الکتاب» را بر دو معنای قرآن و عالم هستی بلامانع می‌داند. ضمن اینکه چهار تفسیر، حمل «الکتاب» را بر علم خدا ترجیح داده و تفسیر *أحسن الحدیث* نیز، آن را به کتاب طبیعت و جهان معنا نموده است.

نکته مهم اینکه جز کسانی که آیه فوق را مربوط به قرآن کریم دانسته‌اند، بقیه مفسران که «الکتاب» را به لوح محفوظ یا سایر معانی دیگر تفسیر نموده یا مدعی شده‌اند که اکثر مفسران مراد از این واژه را لوح محفوظ دانسته‌اند، برای اثبات دیدگاه خود، به‌هیچ دلیل محکم ادبی، نقلی، عقلی و غیره استناد نموده‌اند. بنابراین، با در نظر گرفتن آمار فوق و نتیجه این پژوهش، اکثر مفسران مراد از «الکتاب» را در آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» قرآن کریم دانسته و آیه را بر همین اساس معنا و تفسیر کرده‌اند، از این رو نظر ماوردی، طبرسی، فتح‌الله کاشانی، حسینی شاه عبدالعظیمی و ابراهیم عاملی در تعبیر از رأی اکثریت، صحیح به نظر می‌رسد که گفته بودند اکثر مفسران، مراد از «الکتاب» را قرآن دانسته‌اند. بر همین اساس، دیدگاه ابوالفتوح رازی و امین اصفهانی در بیان رأی اکثریت، صحیح نمی‌باشد که گفته بودند اکثر مفسران مراد از کتاب را لوح محفوظ می‌دانند.

نکته دیگر اینکه بررسی سیر تاریخی آراء مفسران در تمامی قرون اسلامی پیرامون آیه فوق نشان می‌دهد که «قرآن» و «لوح محفوظ» همواره، به‌عنوان دو معنای مهم، برای تفسیر «الکتاب» در آیه مورد پژوهش مطرح گشته‌اند، اما معانی دیگر، از چنین فراگیری زمانی برخوردار نیستند. «اجل» در اواسط قرن پنجم هجری توسط ماوردی (م. ۴۵۰ ق) مطرح و آن را به ابن‌بجر نسبت داده است. سپس در قرون بعدی، تعدادی از مفسران این معنا را در تفاسیرشان ذکر نموده‌اند؛ اگرچه هیچ‌یک از

آنان، چنین معنایی را برای «الکتاب» نپذیرفته‌اند. «صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت» در قرن هفتم از جانب ابن عربی (م. ۶۳۸ ق) به‌عنوان یک احتمال در تفسیر آیه مذکور مطرح شد. «علم خدا» در قرن هشتم توسط ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق) به‌عنوان تنها معنای «الکتاب» ذکر گردید و سپس برخی مفسران قرن چهاردهم و پانزدهم، آن را در تفسیر آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» به‌عنوان معنای ارجح پذیرفتند. «کتاب اعمال و کتاب وجود تکوینی» و «عالم هستی» به‌ترتیب از جانب سید محمدحسین فضل‌الله (م. ۱۴۳۱ ق) و ناصر مکارم شیرازی (معاصر) به همراه دیگر احتمال‌ها در معنای «الکتاب» مطرح شده است. «کتاب طبیعت و جهان» نیز، توسط سید علی‌اکبر قرشی (معاصر) به‌عنوان تنها معنای «الکتاب» در تفسیر آیه فوق، ذکر گردیده است.

دیدگاه برگزیده

همان‌گونه که گذشت، اکثر مفسران، مراد از «الکتاب» را در آیه مورد بحث، قرآن کریم می‌دانند. پژوهش حاضر نیز، با توجه به قراین ذیل همین دیدگاه را بر می‌گزیند:

۱. چنان‌که در تفسیر آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیء» از روش تفسیری قرآن به قرآن بهره گرفته شود، آیات دیگری در قرآن مانند آیه فوق، متضمن این معنا هستند که قرآن کریم بیانگر هر چیزی است و تفصیل هر چیزی در آن وجود دارد، این آیات عبارتند از: «... وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...» (نحل / ۸۹) «... مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ...» (یوسف / ۱۱۱) «... وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا...» (انعام / ۱۱۴) و «... وَ كُلِّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا» (اسراء / ۱۲) از این رو معنای این آیات را می‌توان قرینه‌ای دانست برای اینکه معنای «الکتاب» در آیه فوق نیز، قرآن کریم است.

۲. بیشتر روایاتی که در تفسیر آیه ۳۸ سوره انعام مورد استناد مفسران قرار گرفته‌اند، بر این نکته دلالت دارند که مراد از «الکتاب» در این آیه، قرآن کریم می‌باشد و این نکته‌ای است که شریف لاهیجی (م. قرن ۱۱ ق) سبزواری نجفی (م. ۱۴۰۹ ق) و سید محمدحسین فضل‌الله (م. ۱۴۳۱ ق) نیز، بعد از بررسی روایات موجود در این زمینه، بدان تصریح نموده‌اند.

۳. همان‌طور که ابن عطیه اندلسی (م. ۵۴۱ ق) و ابوحیان اندلسی (م. ۷۴۵ ق) تصریح کرده‌اند نظام معنا و سیاق آیه، دلیل دیگری است که اقتضا می‌کند «الکتاب» در این آیه به قرآن تفسیر شود.

۴. بررسی تاریخی استعمال واژه «الکتاب» در قرآن بر حسب ترتیب نزول، نشان می‌دهد که

آنچه از معنای «الکتاب» به ذهن مخاطبان اولیه قرآن تبادر پیدا می‌کرد، قرآن کریم بوده است؛ به عبارت دیگر، همان‌گونه که فخرالدین رازی (م. ۶۰۲ ق) تصریح نموده معهود ذهنی مسلمانان از این واژه، قرآن کریم است.

نتیجه

بررسی آراء مفسران در یکصد تفسیر قرآن با گرایش‌های مختلف تفسیری، پیرامون آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» این نتیجه را به دست می‌دهد که:

۱. مفسران، برای معنای «الکتاب» در این آیه احتمال‌های مختلفی مطرح ساخته‌اند؛ قرآن، لوح محفوظ، علم خدا، اجل، صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت، کتاب اعمال، کتاب وجود تکوینی، عالم هستی، کتاب طبیعت و جهان از جمله معانی‌ای هستند که از جانب مفسران برای واژه «الکتاب» در آیه فوق بیان شده است. البته سیر تاریخی آراء مفسران پیرامون این آیه نشان می‌دهد که «قرآن» و «لوح محفوظ» به ترتیب، همواره، به‌عنوان دو معنای مهم «الکتاب» مطرح بوده‌اند؛ ولی معانی دیگر، از چنین فراگیری زمانی برخوردار نیستند. «اجل» در اواسط قرن پنجم هجری توسط ماوردی، «صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت» در قرن هفتم از جانب ابن عربی، «علم خدا» در قرن هشتم توسط ابن کثیر، «کتاب اعمال و کتاب وجود تکوینی»، «کتاب طبیعت و جهان» و «عالم هستی» نیز، توسط برخی مفسران معاصر به‌عنوان یک احتمال در مورد معنای «الکتاب» مطرح شده‌اند.
۲. از یکصد تفسیر مورد مطالعه در این پژوهش، در ۵۷ تفسیر، «الکتاب» به‌طور صریح یا به‌عنوان معنای ارجح، به قرآن کریم معنا شده است. در مقابل، ۲۵ تفسیر، «الکتاب» را در آیه فوق به لوح محفوظ تفسیر کرده‌اند. ۱۱ تفسیر هم، به صورت مساوی مراد از «الکتاب» را لوح محفوظ یا قرآن دانسته و هیچ یک را بر دیگری ترجیح نداده‌اند. در چهار تفسیر نیز، حمل «الکتاب» بر علم خدا ترجیح داده شده است. در تفسیر ابن عربی، بدون ترجیح، «الکتاب» به صحیفه آسمانی نفس یا صحیفه نیت و لوح محفوظ تفسیر شده و تفسیر *أحسن الحدیث* نیز، آن را به کتاب طبیعت و جهان معنا نموده است. تفسیر نمونه هم، حمل «الکتاب» را بر هر دو معنای قرآن و عالم هستی بلامانع می‌داند. بنابراین، اکثر مفسران مراد از «الکتاب» را در آیه ۳۸ سوره انعام، قرآن کریم دانسته و آیه را بر همین اساس معنا و تفسیر کرده‌اند و این دیدگاه، به قرینه معنوی آیات دیگری از قرآن، روایات تفسیری، معهود ذهنی مخاطبان قرآن، نظام معنا و سیاق آیه، دیدگاهی صائب و قابل پذیرش است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن ابی حاتم رازی، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار الباز، چ ۳.
- ابن جزی غرناطی، محمد بن احمد، ۱۴۱۶ ق، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت، دار الأرقم.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بی جا، بی نا.
- ابن عجبیه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، تحقیق حسن عباس زکی، قاهره، بی نا.
- ابن عربی، محی الدین محمد، ۱۴۲۲ ق، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۲۳ ق، معجم مقاییس اللغة، بی جا، اتحاد الکتاب العرب.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر.
- امین اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۶ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر جامع، تهران، صدر، چ ۶.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، انوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ ق، التفسیر الواضح، بیروت، دار الجیل الجدید، چ ۱۰.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ ۴.

- خطیب شریینی، شمس‌الدین محمد بن احمد، بی‌تا، *تفسیر السراج المنیر*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- خطیب، عبدالکریم، بی‌تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بی‌جا، بی‌نا.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳ ق، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا، بی‌نا.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج*، بیروت و دمشق، دار الفکر المعاصر، چ ۲.
- _____، ۱۴۲۲ ق، *تفسیر الوسیط*، دمشق، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۲۲ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ ۳.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف.
- سمرقندی، نصر بن محمد، بی‌تا، *بحر العلوم*، بی‌جا، بی‌نا.
- سمین حلبی، احمد بن یوسف، بی‌تا، *الدر المصون فی علم الکتب المکنون*، بی‌جا، بی‌نا.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت و قاهره، دار الشروق، چ ۱۷.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتب المبین*، کویت، مکتبه الألفین.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- شعراوی، محمد متولی، بی‌تا، *تفسیر الشعراوی*، بی‌جا، بی‌نا.
- شنیطی، محمد امین، بی‌تا، *أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، بی‌جا، بی‌نا.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۳۶۵، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی، چ ۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طریحی، فخرالدین، بی‌تا، *مجمع البحرین*، بی‌جا، بی‌نا.

- ۱۰۵ □ بررسی و تحلیل آراء مفسران پیرامون آیه «ما فرطنا فی الکتاب من شیءٍ»
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، تفسیر عاملی، تهران، صدوق.
 - فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، چ ۳.
 - فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر.
 - قاسمی، جمال‌الدین، ۱۴۱۸ ق، محاسن التاویل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 - قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱.
 - قرشی، سید علی‌اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چ ۳.
 - قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
 - کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۳۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی علمی.
 - گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۲ ق، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چ ۲.
 - ماوردی، علی بن محمد، بی تا، النکت والعیون (تفسیر الماوردی)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
 - مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
 - مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب.
 - مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
 - میرزا خسروانی، علی‌رضا، ۱۳۹۰ ق، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیه.
 - نجفی خمینی، محمدجواد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر آسان، تهران، انتشارات اسلامیه.
 - واحدی، علی بن احمد، بی تا، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بی جا، بی تا.

